

# خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۲۵ دی ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۴۲ - شماره مسلسل ۸۹

## کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری  
Coordinating Committee to  
Form Workers Organization

### در این شماره:

- ۶ اعلامیه ی مادران عزادار: باز هم دستگیری ۳۰ نفر
- ۷ خطر اجرای حکم اعدام، هفده زندانی سیاسی کرد را تهدید می کند
- ۷ اعتراض کارگران لاستیک البرز همچنان ادامه دارد
- ۸ کارگران خباز و چند نکته مهم
- ۹ کارگران برق خیابان های شهر مکزیکو را تسخیر کردند!
- ۱۲ چند خیر کوتاه از فعالان ضد سرمایه داری گیلان
- ۱۳ سرکوب و شکنجه زنان زندانی در اوین
- ۱۳ به یاری کارگران ترکیه بشنابیم!

- ۲ سال آینده: روزهای سیاه تر یا آستانه پیکار با سیه روزی؟
- ۳ ادامه اعتصاب کارگران شرکت آونگان اراک
- ۴ کارگران معترض در بلژیک کارفرمایان را گروگان گرفتند
- ۴ مصادره ۶ ماه دستمزد کارگران شهرداری اسلام آباد
- ۴ سرمایه دست کارگر پالایشگاه را قطع کرد
- ۵ اخراج ۹ کارگر معترض لاستیک البرز
- ۵ اعتصاب کارگران ماهیگیر مصر
- ۶ دو کارگر در شعله های آتش سرمایه خاکستر شدند



مشور مطالبات پایه امی طبقه کارگر ایران را بخوانید صفحه ۱۴

## سال آینده: روزهای سیاه تر یا آستانه پیکار با سیه روزی؟

۲۵ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان کمتر از هزینه هایی است که باید بپردازد. این رقم به طور تقریبی ۱۰ برابر میزان کسری بودجه سال پیش است. این کسری در همان حال بیشتر از ۱۰ درصد کل بودجه ۲۸۰ هزار میلیارد تومانی سال ۱۳۸۸ است!! نکته اول بحث مربوط به بودجه بلافاصله سؤالات بسیار جدی و مهمی را با خود به همراه می آورد. در طول سالی که هنوز پایان نیافته است ما شاهد تهاجم کل سرمایه اجتماعی و از جمله سرمایه های دولتی به سطح معیشت عظیم ترین بخش توده های کارگر بودیم. در همین جا خوب است این مؤلفه کاملاً بدیهی را نیز به یاد آوریم که از کل آنچه به نام سرمایه های بخش خصوصی نام برده می شود، بیش از ۸۰ درصد آن متعلق به سپاه پاسداران و بسیج و انحصارات صنعتی و مالی متعلق به نهادهای نظامی است. مثل همیشه تأکید می کنیم که مقوله های دولتی و خصوصی و به طور کلی هویت حقوقی مالکان سرمایه مطلقاً مورد نظر ما نیست. آنچه مورد توجه است این است که نهادها، مؤسسات و بنگاه های یاد شده به هر حال سازمان های پیوسته ساختار قدرت دولتی هستند و مالکان آن ها نه فقط حمایت انداموار و همه سویه دولت را با خود دارند، نه فقط عظیم ترین بخش نیروی سرکوب را تشکیل می دهند بلکه جزء جزء سرمایه هایشان نیز با سرمایه بخش دولتی آمیخته است. به اصل بحث باز گردیم. در طول سال ۸۸ دولت و سپاه پاسداران و بیت رهبری و کل نهادهای نظامی در حالی که سیل خروشان اضافه ارزش های نفتی سال های قبل آن ها را در خود غرق ساخته بود و در شرایطی که کسری بودجه سالانه آنان به ده درصد سال آینده نمی رسید، میلیون ها کارگر را از حوزه های انباشت و مراکز کار و تولید تحت مالکیت مستقیم خود اخراج کردند. در هزاران کارخانه و مؤسسه اقتصادی متعلق به خود برای مدت های بسیار طولانی از پرداخت دستمزد کارگران سر باز زدند و حقوق ماهانه چند میلیون کارگر را مصادره کردند. در تمامی این مراکز هر کجا که آثاری از استخدام و عقد قرارداد کار با کارگران باقی بود، همه را دور ریختند و استثمار بدون هیچ مرز و هیچ قرارداد را جایگزین آن کردند. دستمزد ناچیز ۶۰۰ هزار معلم «حق التدریسی» را ماه های متوالی مصادره کردند و هر نوع اعتراض آنان علیه این جنایت را سرکوب کردند. دولت احمدی نژاد و سپاه پاسداران به عنوان مالکان ۸۰ درصد کل سرمایه اجتماعی کشور در سال ۱۳۸۸ بر ساحل اقیانوس بی انتهای اضافه ارزش های نفتی و بودجه سالانه ای که کسری آن ده درصد بودجه سال آینده است با کارگران شهرداری ها، پروژه های نفت و گاز، معلمان، کارگران ذوب آهن، توده عظیم کارگران بازنشسته، جمعیت کثیر کارگران مخابرات، معادن، سد سازی ها، کشت و صنعت ها، بنادر، راه سازی ها، حمل و نقل و همه حوزه های دیگر چنین کردند. حال سؤال این است که همین دولت و سپاه پاسدارانش در سال آینده با بودجه ای که کسری آن سر به ۳۰ هزار میلیارد تومان می زند با کارگران قلمرو استثمار خویش چه خواهند کرد؟

دولت احمدی نژاد در سال جاری هزاران میلیارد تومان از اضافه ارزش های نفتی را زیر نام « طرح های زود بازده» به سرمایه جمعیتی از سرمایه داران بسیجی و سپاهی و حواشی بیت رهبری اضافه کرد و در همین راستا به این سرمایه داران امکان داد تا چند صد هزار کارگر دیگر را در بدترین شرایط کاری با نازل ترین بهای نیروی کار بدون هیچ نوع بیمه و هیچ شکل دیگر حق و حقوق اولیه انسانی استثمار کنند. سرمایه داران یاد شده اینک برای تداوم طرح های خود باز هم خواستار حجم عظیم تری از سرمایه های حاصل استثمار توده های کارگر زیر نام کمک های دولتی هستند، سرمایه های اهدایی که باید در اقلام بودجه دولتی منظور و محاسبه شوند و در ازای هر میزان کسر و تقلیل آن ها فوج کارگران شاغل آن طرح ها اخراج خواهند شد و به خیل بی شمار گرسنگان فعلی خواهند پیوست. بودجه سال ۱۳۸۹ با توجه به کسری عظیم آن قادر به پرداخت این اقلام نیست و بیکاری انبوه کارگران این طرح ها بسیار

محمود احمدی نژاد «لایحه بودجه سال ۱۳۸۹» را در روز هشتم بهمن ماه و پس از یک تأخیر طولانی غیرمتعارف به مجلس خواهد برد. بودجه سالانه هر دولت سرمایه داری حساب دخل و خرج ها یا گزارش درآمدها و هزینه های آن دولت در آن سال معین است. درآمدهای دولت از ریال اول تا آخر آن سرمایه ها و اضافه ارزش هایی است که کارگران تولید کرده اند. این که این اضافه ارزش ها و سرمایه ها مربوط به حوزه نفت است یا مالیات یا تجارت خارجی یا قلمروهای دیگر سرمایه، هیچ خدشه ای به این حکم وارد نمی کند. به هر حال، فقط کار پرداخت نشده توده های کارگر است که کل درآمدهای دولت را تشکیل می دهد. هزینه های دولتی نیز مخارجی است که دولت در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و... صرف سرپا نگه داشتن نظام سرمایه داری می کند. لایحه بودجه بدین سان برنامه سالانه ای است که دولت سرمایه به نمایندگان طبقه سرمایه دار در مجلس ارائه می دهد تا آن را مورد تأیید و تصویب قرار دهند. دولت در لایحه این برنامه بسیار اجمالی به نمایندگان سیاسی و فکری سرمایه داری اطلاع می دهد که در طول آن سال معین برای سودآوری هر چه انبوه تر سرمایه ها و برای اداره کارآمدتر بخش های مختلف دولت سرمایه چه طرح هایی را تدارک دیده است و چه اقداماتی را به اجرا می گذارد. پیش نویس لایحه بودجه به مجلس سرمایه ارائه می شود تا شمار بیشتری از نمایندگان سیاسی و دولت مردان طبقه سرمایه دار در جریان برنامه ریزی ها و چاره اندیشی های دولت برای تأمین و تضمین اهداف دولت سرمایه قرارگیرند. تا آنان نیز هر کدام به سهم خود، با رعایت هر چه دقیق تر مصالح سودآفرینی سرمایه ها و بررسی راه های هر چه کارآمدتر تشدید استثمار توده های کارگر، برنامه ریزی ها و طرح های دولت سرمایه را کامل تر کنند. بند بند این لایحه بر اساس منویات و ملزومات افزایش هر چه بیشتر سود سرمایه ها و استثمار هر چه شدیدتر کارگران تنظیم می شود. در اینجا تقریر، تعیین و تصویب می شود که چگونه هزینه درمان و بهداشت و دارو و دکتر توده های کارگر به حداقل ممکن کاهش یابد تا در عوض سرمایه اجتماعی و نظام محافظ و نگهبان آن هر چه فربه تر و نیرومند تر شود. چگونه میزان مرزها و بهای نیروی کار طبقه کارگر هر چه بیشتر کاهش یابد تا سود سرمایه هر چه بیشتر افزایش پیدا کند. چه تدابیری باید اتخاذ شود تا افزایش قیمت ها سطح دستمزدهای واقعی را هر چه مؤثرتر کاهش دهد و نرخ اضافه ارزش ها و سودها هر چه بیشتر صعود کند. امکانات آموزش و مدرسه و معلم باید چه وضعی به خود گیرد تا هزینه های آن هر چه بیشتر بر سطح معیشت و بهای نازل نیروی کار طبقه کارگر سرشکن شود و همزمان سود سرمایه ها بیش از پیش افزایش یابد. شدت استثمار بردگان مزدی سرمایه را تا کجا و چگونه باید به اوج رساند تا حجم انباشت های نوین سرمایه چند برابر شود. برای طغیان هر چه عظیم تر سودها و انباشت هر چه بی عنان تر و بیکران تر سرمایه ها چه میزان راه و جاده و تأسیسات بندری و وسائط نقلیه لازم است و برای تأمین هزینه های اجرای همه این پروژه ها چگونه و از کدام مجاری می توان به تاراج آخرین قوت لایموت کودکان خانواده های کارگری پرداخت. از همه این ها بسیار مبرم تر و اساسی تر این که برای قتل عام هر نفس اعتراضی طبقه کارگر و برای تحکیم هر چه افزون تر پایه های قدرت سرمایه، به تأسیس کدام زرادخانه های عظیم نظامی و اتمی و تسلیحاتی، به استخدام چند میلیون نیروی پلیس و ارتش و بسیج و عمله و اکره و خدم و حشم و نیروی جدید سرکوب نیاز است و برای تأمین مخارج این دستگاه عظیم سرکوب چه تهاجم هایی باید علیه نان بخور و نمیر توده های طبقه کارگر صورت گیرد. مکان و موضوعیت لایحه بودجه در نظام سرمایه داری اساساً این است و حال با این توضیح کوتاه سراغ بودجه سال آینده دولت احمدی نژاد می رویم.

اولین نکته ای که در مورد این لایحه بر سر زبان ها جاری است کسری حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار میلیارد تومانی آن است، یعنی درآمدهای دولت در سال ۱۳۸۹،

محتمل به نظر می رسد. بدیل این سیاست آن است که دولت بزل و بخشش خویش به سرمایه داران سپاهی و بسیجی را مشمول هیچ تقلیلی قرار ندهد و ادامه طرح های زودبازده را همچنان دستور کار خود قرار دهد، اما در عوض سهمگین ترین تهاجم ها را در حوزه های دیگر علیه دستمزدها و کل زندگی کارگران برنامه ریزی کند.

در سال ۱۳۸۸ سپاه پاسداران به شکرانه سیل اضافه ارزش های نفتی ۳ سال نخست ریاست جمهوری احمدی نژاد، هزاران میلیارد تومان در پروژه های ساختمانی و سایر طرح های صنعتی و تجاری امارات متحده عربی انباشت کرد. حجم این سرمایه ها به میزانی بود که بسیاری از اقتصاددانان دنیا موج بحران اقتصادی در دوی را طغیان عظیم تر بحران در ایران خواندند. رسم و روال کار سرمایه داران نظامی رژیم این است که هر ریال کاهش سود خویش در هر کجای دنیا را بر گرده بودجه دولتی و از این طریق بر زندگی محقر توده های کارگر سرشکن کنند. بودجه سال آینده جمهوری اسلامی باید پاسخگوی این انتظار و رسم و سنت باشد و بند بند آن باید راهگشای این بورش به سفره خالی میلیون ها کارگر شود. بودجه های سالانه دوره نخست صدارت احمدی نژاد در شرایطی تنظیم و تحویل مجلس سرمایه می شد که ذخایر ارزی سرمایه اجتماعی از ده ها هزار میلیارد تومان افزون بود. بودجه سال ۱۳۸۹ با کسری ۳۰ هزار میلیاردی در روزهایی تسلیم مجلس می شود که هیچ ریالی ذخیره ارزی در اختیار دولت نیست و سپاه پاسداران به عنوان مالک و پیمانکار کل پروژه های نفت و گاز فقط برای ادامه بخش هایی از این پروژه ها در منطقه عسویه خواستار برداشت فوری یک هزار میلیارد تومان از صندوق کاملاً خالی ذخیره ارزی شده است.

در بودجه سال ۱۳۸۸ بر اساس ارقامی که هیچ گاه در هیچ رسانه ای و در هیچ گزارش رسمی دولتی اعلام نمی شود بیش از ۳۰ درصد کل بودجه به هزینه های نظامی، تسلیحاتی، امنیتی و پلیسی اختصاص داشت. این اقلام پنهانی غیرقابل اعلام در بودجه سال آینده بسیار افزون تر خواهد بود، زیرا دولت سرمایه خواه برای سرکوب مردم و خواه برای تدارک مقابله جویی های میلیتاریستی خود در سطح جهانی به هزینه های بسیار انبوه تری نیازمند است. دامنه نیاز اخیر اما به هیچ وجه در این حد نمی ماند. سرریز قهری بار بحران سرمایه جهانی به حوزه بازتولید سرمایه اجتماعی ایران در یک سو و فشار سهمگین تحریم های اقتصادی احتمالی جدید از سوی دیگر وضعیت بسیار وخیم اقتصادی دولت سرمایه داری ایران را باز هم بسی وخیم تر خواهد کرد و کسری بودجه اعلام شده دولت را بسیار بیشتر از رقم اعلام شده خواهد نمود.

بودجه سال آینده در روزهایی روانه مجلس سرمایه می شود که نرخ بیکاری با این که در تمامی طول ۳۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی همیشه بالا بوده است اما هیچگاه در این حد نبوده است. واقعیت این است که با محاسبه جمعیت ۱۳ میلیونی زنان خانه دار محکوم به چند شیفت کار خانگی بدون هیچ ریال دستمزد و با رجوع به تعریف رایج جهانی از کارگر بیکار، حداقل ۶۰ درصد نیروی کار در سنین اشتغال جامعه فاقد هر نوع کار با دستمزد هستند. این لایحه همچنین بر متن وضعیتی در اختیار نمایندگان سرمایه قرار می گیرد که سیر فورانی گرانی ها و افزایش قیمت ها بهای واقعی نیروی کار توده های کارگر را به پایین ترین میزان ممکن خود کاهش داده است. در کنار همه این مولفه ها و مختصات بودجه سال آینده یا شرایطی که لایحه بودجه این سال در آن تنظیم و تصویب می شود، لاجرم این پرسش اساسی پیش می آید که کسری ۳۰ هزار میلیارد تومانی اعلام شده چگونه جبران خواهد شد و این جبران از چه مجاری و با پیچیدن کدام نسخه

ها تامین خواهد شد؟ پاسخ این سؤال حتی بدون هیچ چرخیدن در دالان های تو در توی آماری یا غور کردن در لا به لای صفحات بودجه بازم بسیار شفاف است. در جواب بخش اول سؤال، بالاتر گفتیم که کل این کسری ها به علاوه کل مصائب ناشی از طغیان موج بحران اقتصادی یکر است راه زندگی فقیرانه کارگران را پیش می گیرد. ریال به ریال همه این ها از زندگی توده های کارگر کسر خواهد شد. پاسخ بخش دوم نیز به همان اندازه روشن و بی ابهام است: فشار هر چه سنگین تر بر بهای نیروی کار، کاهش هر چه بیشتر دستمزدهای واقعی، کاهش وسیع شمار معلمان و پزشکان و پرستاران، تعطیل هر چه کثیرتر شمار بیمارستان ها و درمانگاه ها و مراکز درمانی و آموزشی و در یک کلام سلاخی همه آنچه که به زندگی توده های کارگر مربوط می شود. در این میان و در روند اجرای عملی همه این تهاجمات علیه معیشت روز کارگران یک مسأله از همه آشکارتر و بدیهی تر است. بودجه سال ۱۳۸۹ در بخش عظیمی از اقلام و محاسبات خود بر اجرای مفاد پروژه موسوم به «لایحه هدفمند کردن یارانه ها» اتکا دارد. تا کنون مشخص شده است که افزایش بهای ارزاق عمومی و کالاهایی مانند نان و گوشت و سایر نیازهای اولیه زندگی کارگران همراه با افزایش بهای بنزین و مواد سوختی به عنوان منابع اصلی تأمین ارقام بودجه منظور شده است.

این ها نکاتی است که عجالتاً در مورد بودجه دولتی سال آینده می توان بر زبان آورد. تا حال سئوالاتی را مطرح کردیم و پاسخ هایی را در مقابل آن ها قرار دادیم. اما اینک نوبت طرح آخرین و سرنوشت ساز ترین سؤال است: کارگران چه خواهند کرد؟ آیا بازم تمامی این تهاجمات و تعرضات را به جان خواهند خرید و تحمل خواهند کرد؟ بازم برای ماه های طولانی مسیر پرپیچ و خم دالان های دیوان سالاری سرمایه را پیش خواهند گرفت و بساط شکایت و عریضه نویسی پهن خواهند کرد؟ بازم به ابراز نارضایتی ها و اعتراضات پراکنده و سازمان دادن اعتصابات گسیخته فاقد توان تأثیرگذاری اکتفا خواهند کرد؟ بازم به پیروی از نسخه نویسان سندیکا چند دکه سندیکالیستی بی خاصیت دیگر دایر خواهند کرد و تمامی توش و توان پیکار طبقاتی خود را در این گذر هدر خواهند داد؟ بازم چشم امید به آستان اتحادیه های کارگری سرمایه سالار بین المللی خواهند دوخت؟ تاریخ به روشنی ثابت کرده است که ادامه این کارها فرسایش قدرت پیکار سترگ طبقاتی خود به نفع سرمایه و علیه طبقه خویش است. همه تاریخ و از جمله تجارب سال های اخیر بانگ می زند که ادامه این اقدامات راه به هیچ کجا نخواهد برد. به جای این ها، باید مبارزه طبقه علیه طبقه را سازمان دهیم. باید منشور مطالبات پایه ای طبقه خود را پرچم اعتراض جاری خویش کنیم. باید حول این منشور به صورت شورایی و سراسری علیه سرمایه متشکل شویم. باید قدرت طبقاتی خود را هر چه وسیع تر و نیرومندتر علیه نظام سرمایه داری اعمال کنیم. باید از این طریق مطالبات خود را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کنیم. باید قدرت سیاسی را به چنگ آوریم و بی درنگ تمام مطالبات پایه ای طبقه خود را متحقق کنیم و سپس به سوی الغای کارمزدی - ام الخبائث جامعه سرمایه داری - پیش رویم.

### کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

### کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۳ دی ۱۳۸۸

## ادامه اعتصاب کارگران شرکت آونگان اراک

کارگران شرکت آونگان اراک که طی سال های گذشته طبق اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی به بخش خصوصی واگذار شده بود پس از ماه ها انتظار همچنان به دنبال حقوق و مزایای عقب که کارگران این شرکت ۸ ماه هست حقوق خود را

کجاست؟ مگر قرار نبود بر دست کارگران بوسه بزنید؟ چرا بر سرمان باتوم می کوبید؟ مگر ما غیر از حقوق مان چه چیز طلب کرده ایم؟ یکی به داد ما برسد. فریاد ما را به گوش جهانیان برسانید. بگذارید دنیا بداند ما در این حکومت اسلامی چه می کشیم. ای مرگ بر این دولت، ای مرگ بر این حکومت.

منبع: هرانا

۲۴ دی ۸۸

اعتراضی سراسری را ترتیب داده بودند و در پی این اعتراض شعارهایی علیه دولت احمدی نژاد سر دادند. این اعتراض خود جوش با حضور نیروی انتظامی به خشونت کشیده شد و ده ها کارگر این شرکت بازداشت و صدها تن دیگر نیز مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفتند. روز گذشته نیز کارگران این شرکت با در دست داشتن پلاکاردی که روی آن نوشته شده بود ما خواهان حقوق قانونی خود هستیم تجمع دیگری را بر پا کردند. کارگری با چشمانی گریان فریاد می زد: هشت ماه است گرسنه ایم. دیگر نمی توانیم با دست خالی به خانه برویم. انصاف

دریافت نکرده اند و مدیران این شرکت در پاسخ به درخواست این افراد اعلام می کنند هیچ حقوقی ندارند که به آن ها پرداخت کنند و حتی در قبال درخواست بازنشستگی این افراد نیز اعلام می کنند هیچ پولی برای بازنشستگی آن ها ندارند. به گزارش خبرنگار دانشگاه آزاد اراک، این کارگران که چندی قبل در پی اعتراض خود به عدم دریافت حقوقشان با سرکوب شدید نیروی انتظامی مواجه شده بودند امروز و دیروز در مقابل در این کارخانه تجمع و علیه مدیران این شرکت شعار سر دادند. روز چهارشنبه دوم دی ماه کارگران این شرکت

## کارگران معترض در بلژیک کارفرمایان را گروگان گرفتند

بازهم نشان دهنده انسان ستیزی رابطه اجتماعی سرمایه است، زیرا این شرکت سرمایه داری با اخراج کارگران به دلیل کاهش سود در واقع اعلام می کند که حاضر است زندگی صدها انسان را فدای سود بیشتر یک بطری آبجو کند.

منبع: نشریه انگلیسی علیه کارمزدی (Against Wage-Labour)

ژانویه ۲۰۱۰

کارگری سرمایه سالار و روی آوردن به نیروی طبقاتی خود است. مدیران شرکت اعلام کرده اند که هدف از اخراج کارگران کاهش هزینه تولید آبجو است زیرا، به گفته آنان، سود شرکت به علت کاهش مصرف آبجو پایین آمده است. به نظر می رسد که این گفته حقیقت ندارد، زیرا طبق اعلام خود شرکت در نوامبر ۲۰۰۹، در سه ماهه منتهی به سپتامبر ۲۰۰۹ مبلغ ۳/۵۵ میلیارد دلار سود به دست آورده است، که ۱۲٪ از سود شرکت در سه ماه مشابه در سال ۲۰۰۸ بیشتر است. اما حتی اگر هم این گفته سرمایه داران صاحب شرکت حقیقت داشته باشد،

بلژیک، ۸ ژانویه ۲۰۱۰- پس از اعلام این که ۱۰ درصد از ۳۰۰۰ کارگر کارخانه آبجوسازی Anheuser-Buch اخراج خواهند شد، کارگران خشمگین این کارخانه ۱۰ نفر از مدیران آن را گروگان گرفتند. خواست کارگران، لغای بی درنگ حکم اخراج است. اندکی پس از این گروگان گیری، کارگران گروگان ها را آزاد کردند. خشم کارگران و این واقعیت که آن ها برای گرفتن مطالباتشان به نیروی خود تکیه کردند از یک سو نشان دهنده وضعیت وخیم و حاد زندگی آنان است و از سوی دیگر بیانگر سرخوردگی کارگران از اتحادیه های

## مصادره ۶ ماه دستمزد کارگران شهرداری اسلام آباد

اعتراضی زده اند اما هیچ یک از این اعتراض ها به جایی نرسیده است.

منبع: آژانس خبری موکریان

۲۲ دی ۸۸

دکتر و دارو و درمان یا پول کتاب و دفتر و کاغذ کودکان عرصه را از همه سو بر کارگران تنگ کرده و آنان را به اعتراض واداشته است. ۲۰۰ کارگر در اعتراض به جنایت سرمایه داران دولتی شهرداری تا حال چندین بار دست به تظاهرات

کارگران شهرداری اسلام آباد غرب ۶ ماه است که کار می کنند و استنثار می شوند و هیچ ریالی دستمزد نمی گیرند. دولت سرمایه همه حقوق ۶ ماهه آنان را مصادره کرده است و از پرداخت آن سر باز می می زند. بدهکاری و گرسنگی و نداشتن خرج

## سرمایه دست کارگر پالایشگاه را قطع کرد

کنند، با هلی کوپتر به محل پرواز منتقل می شود تا برای مداوا راهی تهران شود. سرمایه داران دولتی پالایشگاه از پرداخت هزینه پرواز او امتناع می کنند و همین امر باعث تأخیر بسیار طولانی در رسیدن وی به بیمارستان می شود. پزشکان معالج به دلیل وقوع این تأخیر امکان علاج را منتفی اعلام می کنند و به ناچار دست وی را قطع می کنند. سرمایه هر ثانیه و هر لحظه دنیایی از این جنایات مرتکب می شود تا حجم سودهای خود را افزون تر سازد.

۲۲ دی ۸۸

کشتار کارگران باشند اما به قبول هیچ ریالی هزینه ایمنی محیط کار تن ندهند. یک نکته بسیار شنیدنی در این راستا این است که همین پالایشگاه در مدار محاسبات و پژوهش ها و داوری های دولت سرمایه برنده مدال موسوم به « لوح ایمنی محیط کار » شده است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. معضل اما به همین جا ختم نمی شود. احمد عابدی پس از این که بر اثر فقدان امکانات اولیه ایمنی محیط کار دچار حادثه می شود، به بیان دیگر، پس از این که سرمایه داران دست او را مثل جان شمار کثیر همزنجیرانش فدای سود افزون تر خویش می

نام کارگر احمد عابدی است. او ۲۰ سال تمام است که در پالایشگاه اصفهان کار می کند و با تمامی شدت ممکن استنثار می شود. حادثه قطع دست او در حین کار و در زمان تست مبدل حرارتی کارگاه رخ داده است. بر اساس استانداردهای رایج جهانی عمل تست باید در محیط های دربسته و دارای حفاظ ایمنی بسیار بالا انجام گیرد. پالایشگاه اصفهان همچون مراکز مشابه دیگر کار در ایران فاقد چنین محیطی برای تست است. سرمایه داران دولتی پالایشگاه از آغاز تا امروز و در تمامی طول چند دهه ترجیح داده اند که شاهد وقوع روزمره سوانح و

## اخراج ۹ کارگر معترض لاستیک البرز

کارگران خواستار بازگشت بدون قید و شرط و بی درنگ ۹ همزنجیر اخراجی خود و پرداخت کل دستمزدها شدند و تهدید کردند که در صورت ترمد سرمایه داران از قبول این خواسته ها دست از کار خواهند کشید و مبارزات خود را گسترش خواهند داد.

۲۲ دی ۸۸

برای دریافت حقوق ها بود و سرمایه دار شرکت در این روز به جای پرداخت دستمزدها در یک اقدام ناگهانی دستور اخراج ۹ کارگر معترض نماینده انتخابی توده های کارگر را صادر کرد. با وقوع این ماجرا خشم کارگران به جوش آمد و در مقابل این وحشیگری و درنده صفتی کارفرما دست به مقاومت زدند. خبر اخراج ۹ کارگر همزنجیر در زمانی به گوش کارگران رسید که عازم خروج از کارخانه پس از پایان کار روزانه خود بودند. آنان بلافاصله از راه افتادن سرویس ها جلوگیری کردند و در درون کارخانه دست به تظاهرات اعتراضی زدند.

در روزهای قبل اخبار مربوط به موج جدید مبارزات کارگران لاستیک البرز را در همین سایت درج کردیم. این مبارزات همچنان ادامه دارد. دستمزدهای کارگران ۷ ماه است که مصادره شده است و سرمایه داران بالاخره زیر فشار اعتراض چند صد کارگر کارخانه مجبور شدند که نیمی از دستمزدهای معوقه آنان را پرداخت کنند. سرمایه داران در همان حال قول دادند که بقیه حقوق ها را نیز هر چه زودتر بپردازند. اما آن ها مطابق معمول باز هم از انجام وعده و وعیدهای خویش سر باز زدند. روز دوشنبه ۱۴ دی ماه پایان مهلت کارگران

## اعتصاب کارگران ماهیگیر مصر

سرکوب دولت سرمایه داری است و اصولا برای همین کار تربیت می شود. اگر دولت از کسانی که به او اجازه نمایندگی از خود را داده اند حمایت نکند که نمی تواند خدمتگذار آن ها باشد. تنها چیزی که می ماند و در جایگاه خود نیست طبقه کارگر است. چنان تنها و از هم گسیخته است که مورد سوء استفاده کارفرما هم قرار می گیرد و در برابر رفیق و دوست هم طبقه ای خود قرار می گیرد. به دلیل بیکاری، فقر و نابسامانی زندگی حاضر می شود جای کارگر اخراجی را با دستمزد کمتر و بدون هیچ تضمینی بگیرد. وقتی هم که دست به اعتراض و اعتصاب می زند با وجود میلیاردها هم طبقه ای چنان تنهاست که توان ادامه مبارزه را ندارد یا با اندک بهبودی در اوضاع کنار می آید و یا در صورت ادامه باید پیه همه درد و رنج های فردی و خانوادگی را برتن خود بمالد. چگونه می شود به این اوضاع پایان داد؟ چگونه می شود اعتصاب ها را هماهنگ کرد؟ چگونه می شود حرکت را با حمایت طبقاتی آغاز کرد و دست به حرکت های اعتراضی سازمان یافته و زنجیره ای زد تا مبارزه فروکش نکند و تداوم یابد؟ چگونه می توان علیه سرمایه متحد و متشکل شد؟ وظیفه هر کارگر در هر کجای دنیا این است که به این پرسش ها بیندیشد و بکوشد پاسخ آن ها را پیدا کند.

منبع: Libcom.org

۱۲ ژانویه ۲۰۱۰

به کار گیرند. کارگران مصری می خواهند که طبق قرارداد به آن ها عیدی کریسمس پرداخت شود. تحت پوشش بیمه اجتماعی کارگری قرارگیرند و نه بیمه خویش فرمایی، که اکنون عضو آن هستند و باید همه حق بیمه را خود بپردازند. و بالاخره خواست دیگر کارگران این است که از سود سالانه کارفرمایان سهمی به آن ها تعلق گیرد. کارگران بعد از یک روز به محاصره بندر پایان دادند و دوباره اعتصاب را ادامه دادند. در روز پنج شنبه ۷ ژانویه آن ها اولین انتخابات انجمن کارگران ماهیگیر مصر را که خارج از پوشش اتحادیه رسمی است برگزار دادند و تصمیم دارند تا دستیابی به خواسته هایشان به مبارزه ادامه دهند.

در تمام دنیای سرمایه داری همین وضعیت را می بینیم. کارفرمایان استثمار کارگران را حق مسلم خود می دانند، زیرا تنها به کمک آن است که سود حاصل می شود و در همه جا سرمایه داران به شیوه های مختلف سعی در بالا بردن آن دارند. در بخش های "پیشرفته" دنیای سرمایه داری، این شیوه چنان ظریف و پنهان است که کارگران اصلا در ساعات کار متوجه آن نمی شوند. اما خود به خوبی می دانند که بازده کارشان نسبت به مثلا ده سال قبل چند برابر شده است اما اگر بسیار هم موفق بوده و توانسته باشند دستمزدها را بالا ببرند این افزایش دستمزد هیچگاه از ۵ درصد بیشتر نبوده است (به استثنای خلبانان). اما خستگی و ناتوانی زودرس به آن ها این تطاول را گوشزد می کند. حمایت پلیس از کارفرمایان درمقابل اعتراض کارگران نیز تعجبی ندارد. مگر نه این که پلیس بخشی از نیروی

حدود ۳۰۰ کارگر شاغل در قایق های ماهیگیری در دهکده میچانیونا در مصر در ۸ ژانویه بندر کوچک دهکده را محاصره کردند و راه های ورود و خروج آن را بستند. قبل از کریسمس آن ها به خاطر این که مدتی است دستمزدهایشان کاهش یافته است به یک اعتصاب یک روزه دست زدند. کاهش دستمزد ها با موافقت اتحادیه کارگران ماهیگیر صورت گرفت که در سال ۲۰۰۸ به صورت وابسته به کارفرما ایجاد شد و با کارفرما سر تعرفه مزد به توافق رسید. طبق معمول پلیس ضدشورش و پلیس بندر برای ترساندن کارگران آن ها را محاصره کرده بودند و بندر کوچک محاصره در محاصره شده بود. هم چنین، پلیس وکلای کارگران را که از صاحبان سه کشتی ماهیگیری شکایت کرده بودند تحت فشار قرار دادند تا از خود سلب مسئولیت کنند. کارگران می گویند که صاحبان کشتی از روش هایی در پرداخت دستمزد استفاده می کنند که بتوانند حداکثر استثمار را به کار برند و سود خود را افزایش دهند و حتی بخشی از دستمزد تعیین شده کارگران را به نفع خود تصاحب کنند. علاوه براین، آن ها به خوبی از شیوه ایجاد تفرقه در میان کارگران استفاده می کنند، به نحوی که بخشی از کارگران یونانی را علیه کارگران مصری به کار گرفتند. هدف کارفرمایان این است که کارگران ماهیگیر را که مدت ۲۵ سال است طبق قرارداد دوجانبه ماهیگیری مصر یونان مشغول کارند و طبق آخرین قرار داد باید با آن ها طبق قوانین اتحادیه اروپا برخورد شود اخراج کنند و کارگران مهاجر را با دستمزد کمتر و بدون توجه به قرارداد

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید

WWW.HAMAAHANGI.COM

## دو کارگر در شعله های آتش سرمایه خاکستر شدند

می‌شود. حداقل ۵ کارگر در میان شعله های آتش اسیر می گردند. از این ۵ نفر دو تن بر اثر شدت جراحات وارده بی درنگ جان خویش را از دست می دهند و سه نفر راهی بیمارستان می شوند. بر اساس اطلاع، جان دو تن از اینان نیز در معرض مرگ قرار دارد.

۲۱ دی ۸۸

سوانح در تمامی این دفعات بوده است. سرمایه دار صاحب شرکت، به رغم وقوع این رویدادهای مهلک و به رغم اعتراضات انبوه کارگران، هیچ گاه اقدامی برای تأمین حداقل ایمنی محیط کار انجام نداده است. او همواره کشتار کارگران را بر قبول هزینه لازم برای تضمین حداقل ایمنی محیط کار ترجیح داده است. حادثه مرگبار اخیر در روز ۲۰ دی ماه رخ داده است. منبع سوخت مازوت کارخانه بر اثر خرابی و عدم کنترل لازم آتش می گیرد و منفجر

دو کارگر شرکت فولاد سیادن در میان شعله های آتش سوختند. فولاد سیادن در سال ۱۳۷۹ در شهر ابهر تأسیس شده است و شمار زیادی کارگر را استنثار می کند. بر اساس آنچه کارگران و حتی عوامل دولتی سرمایه می گویند کارگران کارخانه به دفعات اسیر حادثه شده و هر بار خساراتی را متحمل گردیده اند. وخامت بیش از حد شرایط کار، عدم دسترسی کارگران به ابتدایی ترین وسایل ایمنی و مرگبار بودن محیط کارگاه ها عامل اصلی بروز

## اعلامیه ی مادران عزادار: باز هم دستگیری ۳۰ نفر



باز هم گستاخی، باز هم بی عدالتی، باز هم دستگیری مادران در پارک لاله! ظنین سکوت مادران هر روز رستار می شود و نابخردان بی سیاست و ضدامنیت و خشونت طلب، فریادهای سکوت مادران را بر نمی تابند. شنبه ای نیست که نیروهای پلیس، نیروهای امنیتی و بسیج و لباس شخصی در پارک لاله به صورت آماده باش حضور نداشته باشند، تا مبدا تعدادی از مادران عزادار و داغدار با حق طلبی مسالمت آمیز خود امنیت ملی را به خطر بیندازند. باز هم شنبه ۱۹ دی ماه ۱۳۸۸ سی نفر از مادران در پارک لاله حتی قبل از این که جمعی صورت گیرد و در تجمع شرکت کرده باشند با نیرنگ های گوناگون دستگیر شده و به بازداشتگاه موقت وزرا منتقل شده اند. ما این عمل غیرقانونی و غیرانسانی را محکوم کرده و خواستار آزادی هر چه سریع تر دوستان خود هستیم و به مسولان حکومتی توصیه می کنیم برای پایان دادن به تجمع مادران به خواسته های آنان توجه کنید و کلیه زندانیان عقیدتی را آزاد و آمران و عاملان کشتارهای مردم بیگناه و بی دفاع را در دادگاهی عادلانه و علنی محاکمه کنید.

### دستگیری مادران

مادران عزادار و حامیان آن ها پس از مرگ ندا آقا سلطان و سهراب اعرابی در خرداد ما ۱۳۸۸ توسط مادرانی که فرزندان خود را از دست داده بودند، یا فرزندانشان ناپدید شده بودند تشکیل شد. بسیاری از فعالان مدنی و حقوق زن و به ویژه مادرانی که در سال های گذشته با پدیده اعدام فرزندان و یا ناپدید شدن آن ها مواجه شده بودند، و مادرانی که فرزندانشان به ناحق در بازداشت هستند، به این مادران عزادار پیوستند. خواسته عمده مادران عزادار پاسخگویی مقامات در برابر کشته شدن، ناپدید شدن، و یا زندانی بودن به ناحق فرزندانشان است. بنابر این گزارش مادران عزادار و حامیان آن ها از خرداد ماه تصمیم گرفته اند که هر هفته شنبه در ساعت مشخصی با لباس مشکی تجمع کنند، حتی با سکوت، تا به خواسته های آنها توجه شود. اما همواره تجمع آن ها با حملات نیروهای امنیتی شکسته شده و بسیاری از آن ها بازداشت شده اند.

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران روز شنبه اعلام کرده بود که ۳۰ نفر از مادران عزادار و حامیان آن ها در پارک لاله و خیابان های اطراف آن در حمله ای با حضور بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای انتظامی و لباس شخصی بازداشت و به بازداشتگاه وزرا منتقل شدند. پیش از این، گزارش هایی از حمله ی نیروهای انتظامی به تجمع هفتگی مادران عزادار و بازداشت عده ای از آن ها منتشر شده بود. یک شاهد عینی چگونگی بازداشت مادران عزادار و حامیان آن ها را به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران چنین شرح داده است:

" امروز حدود ساعت ۴ بعدازظهر در پارک لاله بودم. بیش از ۱۰۰ نفر از نیروی انتظامی و لباس شخصی در پارک و خیابان های اطراف مستقر بودند. نمی گذاشتند که کسی روی نیمکت ها بشیند و یا مانع جمع شدن مادران می شدند. هر هفته شنبه مادران عزادار و حامیان آن ها بین ساعت ۵ تا ۶ بعدازظهر در پارک دور هم جمع می شوند. حدود ۷۰ نفر از مادران در پارک بودند که نیروهای امنیتی شروع کردند دنبال مادرها کردند و آن ها را به خارج از پارک منتقل کردند. تعدادی فرار کردند و تعدادی را هم که ۳۰ نفر می شدند، بازداشت کردند و به زور سوار ون های انتظامی کردند و مادران موقع سوار شدن به ون مورد آزار و انیت قرار گرفتند. یکی از مادران که ۷۵ سال سن دارد به بیمارستان منتقل شده است."

این شاهد عینی در مورد وضعیت بازداشت شدگان در پارک لاله و خیابان های اطراف آن به کمپین گفت که "پس از بازداشت مادران عزادار و حامیان آن ها، خانواده ها و بقیه مادران به بازداشتگاه وزرا رفتند و ماموران را مجبور کردند تا اسامی بازداشت شدگان را اعلام کنند. ماموران هم اسامی ۳۰ نفر را اعلام کردند. فردا صبح همه مادران و خانواده های بازداشت شدگان به بازداشتگاه وزرا می روند تا آزادی دوستانشان را از قاضی بخواهند."

۲۰ دی ۸۸

## خطر اجرای حکم اعدام، هفده زندانی سیاسی کرد را تهدید می‌کند

### اطلاعیه مطبوعاتی

قضایای شرایط نگران کننده ای در خصوص امنیت جانی سایر زندانیان محکوم به اعدام و همچنین اهداف این رویه ایجاد کرده است. فارغ از پر نقص بودن رویه های محکومیت به اعدام در خصوص تمامی زندانیان فوق، دلایل اتخاذ چنین رویه ای از سوی دستگاه امنیتی، در زمانی که فضای مناطق کردنشین آرامش نسبی را به خصوص در بعد خشونت ها شاهد بوده است مشخص نیست. اما مسلماً اجرای احکام این زندانیان تنها به ملتهب کردن فضای مناطق کردنشین در وهله اول و سپس کلیت کشور منتهی خواهد شد.

"مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران" نظر به مشاهده اراده ای که قصد دارد از طریق اعدام زندانیان سیاسی التهاب و خشونت آفرینی کند، نگرانی عمیق خود را از امنیت جانی ۱۷ زندانی محکوم به اعدام دیگر به نام های "زینب جلالیان، حبیب الله لطیفی، شیرکو معارفی، فرهاد وکیلی، فرزاد کمانگر، علی حیدریان، حسین خضری، رشید آخندی، محمد امین آگوشی، احمد پولاد خانی، سید سامی حسینی، سید جمال محمدی، رستم ارکیا، مصطفی سلیمی، انور رستمی، حسن تالعی و ایرج محمدی" اعلام می کند. این مجموعه همچنین دیگر سازمان های مدافع حقوق بشر را برای جلوگیری از یک سناریوی خشونت بار سیاسی که با اعدام زندانیان محکوم به اعدام فوق در جریان است فرا می خواند.

### دبیرخانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

تهران - ۱۸ دیماه ۱۳۸۸

در طی سال های اخیر، اجرای احکام اعدام های خاص، همچون اعدام زندانیان سیاسی به صورت یک ابزار در شکل واکنش حکومت ایران نسبت به شرایطی که در آن قرار دارد برای نیل به اهداف، تحت مدیریت دستگاه امنیتی آن درآمده است. در همین رابطه، تا پیش از اعلام نتایج بحث برانگیز انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری و آغاز اعتراضات گسترده مردمی، ۱۴ زندانی سیاسی کرد محکوم به اعدام در سراسر ایران علیرغم خشونت های جاری و درگیری میان اپوزیسیون کرد و نیروهای دولتی وجود داشت که با وعده مستمر در دست اقدام بودن فضای باز از سوی مسئولان همواره به آن پاسخ داده می شد.

در طی این پروسه از ۱۴ زندانی مورد اشاره، حکم اعدام دو تن از آنان به نام های انورحسین پناهی و ارسلان اولیایی در دیوان عالی کشور نقض و همچنین حکم اعدام شورش مهدی خانی به اجرا درآمد تا زندانیان محکوم به اعدام به ۱۱ تن کاهش پیدا کنند. اما پس از آغاز موج گسترده اعتراضات در ایران و علیرغم این که مناطق کردنشین در سکوت به نظاره این اعتراضات نشسته و حتی اعتراضات مستمر و فعالیت اپوزیسیون آن به خصوص در بعد نظامی نیز به سمت کاهش سطح در جریان بوده، افزایش غیرمنتظره و با قید فوریتی روند محکومیت به اعدام متهمان سیاسی و همچنین اجرای حکم اعدام دو تن از زندانیان به نام های "احسان فتاحیان و فصیح یاسمنی" در زمان بندی پس از انتخابات و پروسه کاهش خشونت در کردستان در عین روندهای مبهم و پرنقص

## اعتراض کارگران لاستیک البرز همچنان ادامه دارد

کرده اند. چند صد کارگر کارخانه هم اکنون ۵ ماه است که هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده اند و دفترچه های بیمه آنان تمدید نشده است. کارگران از نهم دی ماه تا امروز در اعتراض به سر می برند. آنان اعلام کرده اند که در روزهای آینده بر شدت و وسعت مبارزات خود خواهند افزود.

منبع: سایت اشتراک

۲۰ دی ۸۸

کلافه کرده است. انبوه بدهی ها نفس آنان را بند آورده است. احساس حقارت و ذلت در مقابل طلبکاران حس زنده بودن را در وجود آنان کشته است. همگی مستأجرند. همگی ماه ها قادر به پرداخت اجاره بهای مسکن خود نشده اند و همگی مدام تهدید به آوارگی و اخراج از خانه های اجاره ای خود می شوند. کارگران در این چند سال در چنین جهنمی سوخته اند و سرمایه داران لحظه به لحظه با تشدید کننده تر استثمار آنان و برای رسیدن به سودهای نجومی تر آتش این دوزخ را شعله ورتتر

آخرین دور اعتراضات کارگران کارخانه لاستیک البرز که از ۹ دیماه ۸۸ آغاز شده است، همچنان ادامه دارد. دلیل اعتراض کارگران عدم پرداخت ۵ ماه حقوق عقب افتاده قبلی، واریز نشدن حق بیمه به مدت پنج ماه و عدم پرداخت حقوق آبان ماه و آذرماه سال جاری است. کارگران این کارخانه چند سال است که در آتش خشم و قهر سوداندوزی سرمایه می سوزند. در این چند سال از ابتدایی ترین امکانات معیشتی و تأمین نان بخور و نمیر فرزندانیشان بیش از پیش محروم شده اند. گرسنگی از همه سو آنان را

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید

WWW.HAMAAHANGI.COM

## کارگران خباز و چند نکته مهم

منشعب گذشته اند قسمتی تحت تاثیر عده ای رادیکال بورژوازی غیرکارگر رفرمیست و قسمتی نیز توسط عظمت طلبان ضدکارگر به یغما برده شده است. بنا بر این چه طور شده که سندیکایی وجود داشته آن هم در سندنج که آماج سهم خواهی و بمب های رسانه ای کارگر دوستان قرار نگرفته است.

۳. در پایان سندی را خواهم آورد که از همان وبلاگ کمیته کارگری گرفته ام که نامه رسمی آن تشکیل است با مهر رسمی و ذکر نام انجمن صنفی. در همان نامه افزایش قیمت نان نیز به صراحت بیان شده است.

باید اینجا پس از دلایل بالا رک و پوست کنده بگویم که اعتصاب فوق الذکر ترنند کارفرمایان خباز برای بالا بردن قیمت نان بود و خود اعضای همین انجمن صنفی در جلسه ای علنی با فعالین کارگری گفته بودند که ما می خواهیم قیمت نان را بالا ببریم. خود ما هم روز اعتصاب گفتیم سرکی به چند نانوايي بکشیم تا ببینیم چه خبره. اعتصاب با شکست روبرو شده بود و فقط در ۲۰ درصد نانوائی ها آن هم به مدت ۲ ساعت اعتصاب شده بود که زمان آن هم مصادف بود با وقت صبحانه که ۱ ساعت است و فقط ۱ ساعت اعتصاب برقرار بود تازه آن هم در نانوائی های که خود کارفرما یا در آن مشغول نانوائی بود یا صندوق دار و فروشنده. آن روز گذشت و روز بعد خبری در سایت ها درج شد مبنی بر این که اعتصاب پیروز شده است و دنیا برای کارگران گلستان و استانداری و چند نهاد دیگر با افزایش دستمزدها موافقت کرده اند و با کمال خجالت لیستی از افزایش دستمزدها بدون اعلام افزایش قیمت نان.

چند روز بعد از آن واقعه صبح زود ساعت ۵ برای گرفتن چند عدد نان سنگک به نانوائی چهار راه نزدیک خانه مراجعه کردم. موقع پرداخت پول متوجه شدم صندوقدار در ازای هر قرص نان ۱۰۰ تومان از من گرفته و قیمت قبلی نان ۷۵ تومان بود. علت را جویا شدم. فکر می کنید چه شنیدم؟ شاطر با تبسمی همراه با شیطننت رو به من کرد و گفت فلانی شما که خودت در باب مسائل کارگری هستی. مگر نمی دانید قیمت نان افزایش یافته است به درخواست انجمن صنفی. بعد از ظهر همان روز چند تشکیل کارگری و کمیته های رنگارنگ در نام و نشان کارگری و در عمل غیر از آن با ارسال پیام های تیریک و شاد باش به کارگران - زنان- دانشجویان و تمامی آحاد جامعه این دستاورد شگرف و شگفت را با هم جشن گرفتند و پس از آن روز دیگر حتی یک بار هم که شده نام این سندیکا در جایی برده نشد.

باید برای مخاطبین محترم این نکته را بگویم که قیمت نان ۲۵ درصد افزایش یافت و نسبت افزایش دستمزدها با احتساب همان ارقام مندرج در وبلاگ آن کمیته کذایی به نسبت افزایش قیمت نان چیزی حدود ۸/۶ دهم درصد است، که باز هم کارگران بازنده اصلی این میدان بوده اند و برای فعالین کارگری مدعی هم توصیه ای دوستانه دارم: کمی مطالعه در باب مسائل قوانین حرکتی و بازآوری سرمایه و نرخ سود و چگونگی اعتراضات کارگری و..... ضرر ندارد.

در نتیجه گیری، این بحث این را اذعان می کنم که اعتصاب حق همه کارگران است و اصولاً یکی از ابزارهای رویارویی کارگر و سرمایه داران به شمار می آید و همچنین افزایش دستمزد. اما مکانیزم هایی دارد که بدون اطلاع و آگاهی از آن ها کارگران همیشه پس رفت خواهند کرد. کوچکترین اشتباهی کارگران را سر خورده و پشیمان می کند و از مبارزه برای حق حیات بهتر باز می دارد. این نمونه و اتفاق مهر تاییدی است بر رفرمیست بودن و غیرکارگری بودن اساس ماهیت سندیکا و سندیکا چپان و البته اکسیونیست بودنشان راهم اضافه کنم تا یادم نرفته.

کارگران خباز باید با یک اقدام جسورانه شورای کارگری خود را بر پا کنند و دیگر به دنبال این گونه تشکلات به اصطلاح آزاد و مستقل نروند (آزاد و مستقل

مدتی قبل چندین خبر تحت عنوان اعتصاب کارگران خباز سندنج و اعتراض به سطح دستمزدها و .... با امضای سندیکای خبازان یا سندیکای کارگران خباز سندنج در سایت های کارگری به مدت چند روز سر تیر مطالب مندرج در نمایه های چند تشکل و کمیته کارگری بود. فضایی آکنده از شور و شوق وصف ناپذیر ایجاد کرد که به مجرد اتمام پروژه اعتصاب مانند بادکنکی که سوزن یا ناخن کودکی بدان فرو رفته باشد فروکش کرد و مدعیان و انصار محترم را به همراه خود بار دیگر در دالان تراوشات آبی مخیله فرو برد و عده ای را نیز سردر گم. لذا من نیز مانند آن دسته دوم نه سر در گم بلکه کاملاً هاج و واج ماندم از این خبر رسانی.

پس بر آن شدم تا که اندکی شفاف نمایم آن چه روی داد و تصویر بزرگ آن چه بر روی پرده ها برفت و واقعیت امر چه بوده است. فقط سطوری که آراسته طبع خواهد گشت برای نشان دادن عمق فاجعه بوده و دیگر من خواهم ماند و فحش و ناسزا و نفرین و .... که آن را به جان دل خریداریم و خود من نیز برای این مدت زیادی صبر کردم که مخاطب گرامی در درک مجازی بودن آن فضا تردیدی به دل راه ندهد. اصل ماجرا از این قرار است:

در وبلاگی متعلق به یکی از کمیته های کارگری خبرهایی تحت عنوان اعتراض کارگران خباز سندنج و فراخوان اعتصاب از سوی سندیکای کارگران خباز سندنج ووو... نظرم رو به خودش جلب کرد. بلافاصله تمامی سایت ها و تشکلات کارگری به یکباره لباس کار در نانوائی پوشیدند (کنایه از من) تا به هم طبقه ای هایشان ببیوندند. که البته کار بس قابل تقدیری است. در خبر ها آمده بود که علت اعتراض افزایش دستمزدها است و متأسفانه دوستان به اصطلاح فعال کارگری اصل ماجرا را پرده پوشی کردند و فقط چند تیرت نامناسب را بزرگنمایی کردند (البته باید اینجا ذکر شود که هر کس آزاد است هر گونه که میخواد مسائل را تبلیغ و ترویج و بزرگنمایی کند که به نظر من بزرگنمایی در اخبار و مسائل کارگری مساوی است با دروغ گویی. ما کاری با ایشان نداریم). متأسفانه باید ذکر شود سندیکای کارگران خباز سندنج (سندیکای خبازان) وجود خارجی به آن اسم ندارد. به چند دلیل عمده:

۱. همراه تنی چند از فضلا و علما و دوستان فعال کارگری پس از شنیدن اخبار مندرج در سایت های فوق الذکر به بارگاه به اصطلاح سندیکا رجوع کردیم روی تابلوی سبز رنگ بزرگی نوشته شده بود انجمن صنفی کارگران خباز سندنج و در انتهای مندرجات تابلو در داخل پرانتز با خط ریز نوشته بودند سندیکای سابق. یعنی خود عالیجنابان متشکل در آن تشکل منکر سندیکا هستند و ذکر نام سابق در بیانه و فراخوان کار بسیار ناپسند و بدور از صداقت می باشد و برای مخاطبانی چون من شاید این عمل هم به نظرمان کمی رندی در درونش غلیان کند. برای امثال بنده که هیچ شکی در ماهیت رفرمیستی سندیکا ندارم آنچه باعث تعجب است این سوال است که چرا عده ای دوست دارند این واژه سندیکا ولو به هر قیمتی تکرار شود، حتی جایی که اصلاً اسم تشکل چیز دیگری است. قضاوت آن بر عهده من نیست ..

۲. طبق قانون ایران سندیکا برای کارگران غیرقانونی است مگر این که تشکیل دهندگان خود کارفرما یا صاحب سرمایه باشند. برای مثال سندیکای اتوبوس رانی سندنج و حومه مربوط به صاحبان اتوبوس های بین شهری است و کارگران راننده برای خود انجمن صنفی نسبتاً فعالی دارند. تمام هم و غم بخش رفرمیست جنبش کارگری ایران (که دوستان مورد اشاره من هم جزو همین بخش محسوب می شوند) گرفتن مجوز سندیکا و ایجاد آن برای کارگران هفت تپه و شرکت واحد بوده است و تا به امروز هم اگر قالب هایی هم شکل گرفته متأسفانه کاریکاتورهایی جزئی از سندیکا بوده است و نه بنده کارگری داشته و نه توانسته انسجام خود را حفظ نماید. هر دو سندیکای هفت تپه و شرکت واحد به دو بخش

طبق آخرین خبر موقوع از ۴۵۰ واحد نانوائی در شهر سنندج ۱۵۰ واحد از ساعت ۶ تا ساعت ۹ صبح دست از کار کشیده و عملاً ۱۵۰ واحد بر اساس تصمیم قبلی دست به اعتصاب زدند.

ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن حمایت از خواست کارگران ، این اقدام جسورانه کارگران را تبریک گفته و معتقدیم که طبقه کارگر تنها با نیرو و حمایت های مادی و معنوی خود و با ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی است که میتواند در راستای منافع خود گام بردارد.

## کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

1388/8/4

.....

### کارگران خباز سنندج در صورت عدم رسیدگی به وضعیتشان دست به اعتصاب خواهند زد.

بر اساس گزارش رسیده، اگر فرمانداری و دیگر مسئولین استان به خواست کارگران خباز سنندج رسیدگی نکنند، آنان دست از کار خواهند کشید.

کارگران خباز سنندج در راستای افزایش دستمزد خود و جمع آوری طوماری که به امضا بیش از ۴۰۰ نانوائی در شهر سنندج رسیده خواستار افزایش دستمزد خود شده اند.

در شهر سنندج ۴۵۰ واحد نانوائی ، سنگگ ، لواشی و بربری موجود است که حداقل ۴۵۰۰ کارگر در این واحد ها مشغول به کار می باشند.

کارگران خباز سنندج بعد از برگزاری مجمع عمومی خود خواستار آن شدند که با توجه به پائین بودن دستمزدها و عدم افزایش دستمزد در سال ۸۸، دستمزد آنان افزایش یابد اما تاکنون مسئولین استانی به این خواست هیچ گونه جوابی نداده اند.

کارگران در چندین جلسه خود که با فرماندار و استاندار در سنندج داشته اند متذکر شدند اگر تا پایان روز یکشنبه ۳ آبانماه به مطالبه قانونی آنان رسیدگی نشود و دستمزد آنان افزایش پیدا نکند تمامی ۴۵۰ واحد نانوائی در سطح شهر سنندج دست به اعتصاب خواهند زد.

ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری از این خواست طبقاتی کارگران خباز حمایت کرده و از تمامی مردم سنندج می خواهیم در صورت اعتصاب کارگران خباز که در راستای افزایش دستمزد صورت میگیرد به هر شکلی که امکان دارد، همه با هم از مطالبات کارگران حمایت و آنان را در این کشمکش طبقاتی یاری رسانیم.

## کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

چهارشنبه ۲۹ مهر ۱۳۸۸

کد تشکلات رفرمیستی است ) و راه را از چاه تشخیص دهند. قطعاً کارگران خباز می توانند بدون بالا بردن قیمت نان (که فشار را بر کارگران سایر بخش ها و افشار کم درآمد دوچندان می کند ) از سود سرشاری که کارفرما از قبل کار آن ها به جیب می زند قسمتی را از آن خود کنند .

## شجاع ابراهیمی

دی ماه ۱۳۸۸

## در اینجا نمونه هایی از اخبار مندرج و فراخوان را می آورم تا مخاطبان خود قضاوت کنند :

.....

### کارگران خباز سنندج امروز دست به اعتصاب زدند.

کارگران خباز طی چندین مرحله مکاتبات و جلسات اداری با فرمانداری بر سر افزایش دستمزد و عدم رسیدگی به خواست آنان با تصمیم جمعی به این نتیجه رسیدند که در تاریخ ۴ آبانماه دست به یک اعتصاب سراسری در سطح شهر سنندج خواهند زد.

با اعلام این خبر از طرف سندیکای کارگران خباز سنندج ، فرمانداری و نیرو های امنیتی با تهدید کارگران که گویا عواملی در داخل شما رخنه کرده و این کار یک اغتشاش است ، با ایجاد فضای رعب و وحشت از اعتصاب آنان جلوگیری بعمل اورند.

نهایتاً در روز شنبه ۲ آبانماه کارگران خباز تصمیم می گیرند که اعتصاب را به صورت مرحله ای ادامه دهند. به این ترتیب با مشورت جمعی به این نتیجه رسیدند که اولین حرکت اعتصابی خود را از روز دوشنبه ۴ آبانماه از ساعت ۶ صبح تا ساعت ۹ صبح به مدت ۳ ساعت ادامه دهند.

استانداری کردستان که از این تصمیم مطلع شده بود و در ساعات پایانی یکشنبه شب مورخ ۳ آبانماه نمایندگان کارفرمایان را به استانداری فرا می خواند و به آنها می گوید که باید این اعتصاب صورت نگیرد و استانداری نامه مربوط به افزایش دستمزد ها را تنظیم و قرار شده است که از روز ۵ شنبه اجرا شود.

نماینده کارفرمایان همان شب با نماینده کارگران خباز تماس گرفته و به آنها اطلاع میدهند که این اعتصاب صورت نگیرد چرا که استاندار خود شخصا کارها را پیگیری و تا روز ۵ شنبه افزایش دستمزد ها عملی خواهد شد.

با توجه به این تصمیم و عقب نشینی استانداری در آخرین دقایق تعدادی از کارگران این را حربه ای از طرف کارفرمایان تشخیص دادند .

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

## خبرنامه کمیته بانگشلی برای ایجاد تشکل کارگری

در اینجا هم متن نامه ارسالی انجمن صنفی کارگران خباز سنندج را به عنوان سند درج می‌کنم تا مبلغین و ثنا گویانشان متوجه شوند:

بسمه تعالی

تاریخ: ۸۸/۸/۱۱

شماره: ۳۹۰

پیوست:

**انجمن صنفی کارگران خباز سنندج و حومه**  
**شماره ثبت وزارت کار (۱۰۱)**

---

**کار فرمای محترم خبازی شماره :**

باعرض سلام ،

احتراما" براساس اعلام افزایش نرخ نان در مورخه ۸۸/۸/۱۰ مجموعه دستمزدها روزانه کارگران خبازیهای شهر سنندج به شرح ذیل جهت اطلاع کارفرمایان اعلام لازم الاتباع میباشد . تقاضا مندم است همکاری لازم را بعمل آورید . %

خبازی تکنو پخت در قبال سهمیه ۲۰۰ کیلو گرم با وزن ۱۷۰ گرم ۳۲ تخت نرخ هر قرص نان ۲۴ تومان

ردیف	شغل	هر تخت	دستمزد روزانه
۱	شاظر	۴۳۵ تومان	۱۳۹۲۰ تومان
۲	واپر	۳۱۲ تومان	۹۹۸۵ تومان
۳	چنه گیر	۳۴۵ تومان	۱۱۱۰۵ تومان
۴	خمیرگیر	۳۲۱ تومان	۱۰۲۷۲ تومان
۵	نان درآر	۳۰۰ تومان	۹۶۰۰ تومان

با تشکر



رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران خباز سنندج و حومه  
شماره ثبت: ۱۰۱  
تاسیس: ۱۳۷۳

مجید آشوائی

نشانی: سنندج - خیابان فردوسی - روبروی پاساژ نهر - کوچه ی صحافی ۲ - شماره تماس: ۳۲۳۶۵۵۵

## کارگران برق خیابان های شهر مکزیکو را تسخیر کردند!



گزارشی از تظاهرات باشکوه کارگران در روز ۱۱ نوامبر ۲۰۰۹ برابر با ۲۰ آبان ۱۳۸۸

بهرام قدیمی

شهر مکزیکو، ۱۵ نوامبر ۲۰۰۹

امروز یکی از روزهای مهم تاریخ جنبش کارگری در مکزیک خواهد ماند. در پی فراخوان سندیکای مکزیکای برقکاران در اعتراض به اشغال پلیسی- نظامی شرکت برق مرکزی، مصادره غیرقانونی این شرکت، اخراج فوری حدود ۴۵ کارگر از آن، و تعطیل سندیکای مکزیکای برقکاران، به دلیل یک ماه مقاومت در حرکت اعتراضی و اعتصاب، روز ۱۱ نوامبر ۲۰۰۹ به عنوان روز اعتصاب عمومی اخطاری برگزیده شد. از ساعت ۷ صبح تمام اتوبان های ورودی به شهر مکزیکو به اشغال تظاهرکنندگانی در آمده بود که با خود از فعالین این سندیکا بودند و با در همبستگی با آن به خیابان آمده بودند. تظاهراتی که از چهار نقطه به سوی میدان مرکزی شهر راه افتاده بود، چهره شهر را عوض کرده بود. کم شدن قابل ملاحظه تردد اتومبیل ها در خیابان های اصلی مرکز شهر یادآور روزهای تعطیل بود. پس از تصرف شرکت برق مرکزی و آغاز مبارزه سندیکای مکزیکای برقکاران علیه آن، فعالین سندیکا کار ترویجی گسترده ای را در سراسر کشور آغاز کردند. جمع آوری ده ها تن مواد غذایی برای کمک به خانواده های کارگران بیکار شده، شرکت بسیار بسیار گسترده نیروهای مختلف در تظاهرات امروز و دفاع نمایندگان مجلس محلی از حزب انقلاب دمکراتیک که در روزهای اول فقط تعداد کمی از آنان به صورتی فردی از سندیکا حمایت می کردند، و دست آخر گشودن بیش از بیست مرکز جمع آوری کمک به کارگران اخراجی، نشان دهنده گستره این فعالیت است.

در ده ها نقطه شهر، از ساعت هفت صبح پرچم های سرخ و سیاه به نشانه اعتصاب نصب شد. به محض آن که کارگران از این پرچم ها کمی فاصله می گرفتند، نیروهای پلیس این پرچم ها را پائین می آوردند تا مردم آن را نبینند. در حالی که تمام جاده های ورودی شهر به اشغال کارگران و گروه های دیگر در آمده بود، نیروهای پلیس فدرال با تحریکات و حمله مستقیم تا آن جا که دستشان بر می آمد کارگران را زیر ضرب گرفتند. در کیلومتر ۴۶ اتوبان مکزیکو به کرتارو (شمال غربی شهر مکزیکو)، پلیس با شکیک گاز اشک آور و گلوله به راه بندان کارگران حمله می کند که طی آن تعدادی زخمی و ده نفر دستگیر می شوند. همچنین در اتوبان هائی که به پونبلا (جنوب شرقی شهر مکزیکو) و کونترانوکا (جنوب شهر مکزیکو) منتهی می شود نیروهای ضد شورش فدرال با اعمال خشونت و استفاده از گاز اشک آور با کارگرانی را که راه ها را بسته بودند، درگیر شدند. روزنامه خورنادا از یکی از کارگران کاروانی را که عازم مکزیکو بود چنین نقل می کند:



سندیکای برقکاران مکزیک، به همراهی اعضای «جبهه خلق در دفاع از زمین- آنتکو» و دانشگاهیان دانشگاه چاپینکو کیوسک پرداخت مخارج اتوبان پنینو - تسکوکو (شرق شهر مکزیکو) را به تصرف خود در آوردند.

برقکاران به همراهی جبهه خلقی فرانسیسکو ویلا و دانشجویان دانشگاه آراگون خیابان های مرکزی نتساوالکویتول (شرق شهر مکزیکو) را تصرف کردند. حدود هزار کارگر که اتوبان مکزیکو- کرتارو (در شمال غربی شهر مکزیکو) را در کیلومتر ۳۲ بسته بودند، نیز توسط نیروهای پلیس کنار زده شدند. در شهر

حدود ظهر در محل پرداخت پول اتوبان در تپوتستان (جنوب شهر مکزیکو) دو اتومبیل پلیس فدرال از کاروان می خواهند که با هم حرکت نکنند. آن ها وقتی با پاسخ منفی کارگران مواجه می شوند، با مشت و لگد به وسائل نقلیه می کوبند. و بدین ترتیب درگیری آغاز می شود. ساکنین سوچی میلکو و تالپیان (هر دو واقع در جنوب ایالت مرکزی) چند بار اتوبان خروجی جنوب شهر مکزیکو را بستند. در ایالت مکزیک، معترضین در سه نقطه کیوسک های پرداخت هزینه اتوبان در جاده پچوکا (در شمال شهر مکزیکو) به تصرف در آوردند و به عابرین اجازه دادند به طور مجانی از اتوبان استفاده کنند. حدود ۴۰۰ نفر دیگر از کارگران

مکزیکو، ترفیك تقریباً شبیه به روزهای تعطیل و يك شنبه ها بود. هیچ نقطه از خیابان های اصلی مرکز شهر نبود که گروهی از تظاهر کنندگان از آن عبور نکرده باشد. يك گروه از زنان سندیکای برقکاران مكزيك با شعار «پول برق ندهید، چراغتان را خاموش کنید!» از نقاط مرکزی شهر عبور کردند. زنان سندیکا از چند روز پیش تظاهرات مستقل خود را نیز سازماندهی کرده بودند. با این حال مهمترین مرکز فعالیت سندیکای برقکاران مكزيك در شهر مكزيكو متمرکز بود. از نخستین دقایق اعتراض پرووکاتورهای دولتی کوشیدند درگیری ایجاد کنند. با این حال دفاع سازمان های توده ای و گروه های چپ از کارگران چشم گیر بود. اگر چه در روزهای نخستین فقط تتی چند از نمایندگان حزب انقلاب دمکراتیک از سندیکا دفاع می کردند، اما با مقاومت کارگران، این حزب مجبور شد هرچه بیشتر علیه بسته شدن شرکت برق مرکزی مكزيك اعتراض کند. شرکت سندیکاهای دیگر، به خصوص کارگران تلفن و دانشگاهیان، در اعتصاب اخطاری روز ۱۱ نوامبر می تواند تا هر زمان که مقاومت کارگران ادامه پیدا می کند، گسترش یابد. یکی از رهبران قدیمی معلمان شرایط فعلی را با مبارزات گذشته مقایسه کرد: با این که ما در گذشته نیز شاهد همبستگی بین کارگران و دانشگاهیان بودیم، اما اخراج يك شبه ۴۴ هزار کارگر در تاریخ مكزيك سابقه ندارد. جنبش های اجتماعی مكزيك که از همان روز اول علیه فرمان رئیس جمهوری موضع گرفته بودند، با شرکت گسترده خود اتحاد کارگران در مبارزه علیه بازپس گرفتن دستاوردهایشان را به نمایش گذاشتند. با این حال، نظرات مردم یکی نیست. بودند کسانی که به تظاهر کنندگان ناسزا می گفتند. این امر تأکیدی است بر نیاز و وظیفه فعالیت علیه تبلیغات بی حد رسانه های گروهی مكزيك در دفاع از فرمان رئیس جمهوری.

» - پس گرفتن فرمان رئیس جمهوری در مورد شرکت برق مرکزی و برقراری مجدد قانون اساسی.

- خروج نیروهای «پیشگیرانه پلیس فدرال» PFP از تأسیسات شرکت برق مرکزی. قطع سرکوب، آزادی زندانیان سیاسی، بازگشت ارتش به پادگان ها.

- دفاع از خدمات عمومی به عنوان اموال عمومی کسانی که هیچ چیز ندارند (آب، برق، آموزش عمومی، امنیت اجتماعی، بهداشت، ترابری عمومی، و غیره). مخالفت با پائین آوردن هزینه های عمومی دولت.

- دفاع از استقلال انرژی و غذایی کشور.

- حل خواست های کارگران روستائی کشور.»

مسئله سیاسی و رادیکال شدن خواست های سندیکا، از جمله خواست آزادی زندانیان سیاسی، نشان می دهد که اگر دولت موفق نشود در آینده نزدیک این جنبش را به کنترل خود در آورد، این حرکت صنفی و دفاعی کارگری می تواند در ائتلاف با نیروهای دیگر به يك جنبش سیاسی اجتماعی بزرگ تبدیل شود.

در کنار اهداف مشخص دولتی، مانند وزارت کار، روز ۱۱ نوامبر ۲۰۰۹ ساختمان های مرکزی تلویزیون آزتکا و تلویزا نیز از نقاط مهم اعتراضی بودند. به همین دلیل، تظاهرات در مقابل ساختمان های مرکزی تلویزا و تله آزتکا، که بزرگترین بنگاه های دروغ پراکنی هستند، بجا و منطقی بود. برخورد گویندگان و خبرنگاران این دو بنگاه آن چنان رسمی است که به نظر می رسد آنان برنامه هایشان را در هماهنگی کامل با نمایندگان دولت تهیه می کنند.

منبع: انتشارات اندیشه و پیکار

۱۹ دی ۸۸

## چند خبر کوتاه در مورد مرگ کارگران که از فرط وفور حتی به رسانه های خود دولت سرمایه داری نیز سرایت می کنند:

### کشته شدن دو کارگر شرکت آب و فاضلاب اصفهان

اصفهان - دو کارگر شرکت آب و فاضلاب اصفهان در حالی که مشغول جابه جایی تأسیسات آب در محدوده پروژه میدان عقیق اصفهان بودند در اثر ریزش زیرآوار زنده به گور شدند. این اتفاق عصر روز دوشنبه ۸۸/۱۰/۱۴ روی داد.

۸۸/۱۰/۱۵

### کشته و زخمی شدن کارگران در جمهوری چک

در جمهوری چک در کارخانه «آوون اوتوموتیو» در اثر انفجار دیگ های بخار کارخانه یک کارگر زن کشته و ۱۵ کارگر زخمی شدند. در اثر انفجار دیگ های بخار سقف کارخانه فروریخت. این کارخانه در شهر شمالی «رود نیک»

### کشته شدن سه کارگر عضو یک خانواده بر اثر گازگرفتگی

آذربایجان شرقی، آذرشهر - کارگر میانسالی بنام «اژدر» برای رفع اشکال پمپ آب در یک کارخانه تولید و بسته بندی مواد غذایی وارد یک حلقه چاه گردید. پس از مدتی که از وی خبری نشد دو پسر وی به نام های «فیروز» و «قهرمان» نگران حال پدر وارد چاه آب شدند. آن ها نیز به سرنوشت پدر- خفگی ناشی از گازگرفتگی درون چاه- دچار شدند. اینک سه تن از اعضای یک خانواده کارگری کشته شده اند، چرا؟

چرا قبل از ورود کارگران به چاه، مسایل ایمنی رعایت نشد؟ چرا حداقل پمپ تهویه جهت خارج کردن گازهای چاه نصب نگردید؟

روزنامه اطلاعات، ۸۸/۱۰/۱۵

### کشته شدن چهار کودک فقیر در آتش سوزی در هند

هند - چهار کودک فقیر در محله فقیرنشین در دهلی نو پایتخت هند در آتش سوزی در منطقه «بریانکا» و در کمپ «بسارپتاویهار» در جنوب دهلی نو کشته شدند. این چهار کودک فقیر همگی اعضای یک خانواده بودند.

روزنامه اطلاعات، ۸۸/۱۰/۱۷

### گروهی از فعالان ضد سرمایه داری گیلان

دی ماه ۱۳۸۸

در حدود ۱۲۰ کیلومتری شمال شرقی پراگ واقع شده است. این کارخانه تولید کننده قطعات لاستیکی برای شرکت های خودروسازی است.

ما نظام سرمایه داری و سود جویی آن را مسئول مرگ کارگران در این حادثه می دانیم.

بدین وسیله از خانواده های حادثه دیده و مصیبت زده می خواهیم که ما را در غم خودشان شریک بدانند.

روزنامه اطلاعات، ۸۸/۱۰/۱۵

## سرکوب و شکنجه زنان زندانی در اوین



رسانه های خبری جهان و فعالین حقوق بشر در سطح بین المللی اعلام کرده اند که شمار دستگیرشدگان بعد از ششم دی ماه (عاشورا) از مرز ۲۰۰۰ نفر گذشته است. بخش زیادی از این اسیران را زنان و دختران معترض تشکیل می دهند. رفتار نیروی سرکوب و زندانبانان با کل انسان های اسیر از نوع وحشیانه ترین رفتارها است. با این همه، آنچه علیه زنان اسیر اعمال می شود بسی سبانه تر است. فعالین حقوق بشر و دموکراسی می گویند که در بند موسوم به «متادون» یا قرنطینه زندان اوین هولناک ترین شکنجه ها در وسیع ترین سطح علیه زنان اعمال می شود. زندانیان زن در زیر فشار سرما می لرزند، هیچ دسترسی به پوشاک و لباس گرم ندارند، از حداقل تغذیه محروم هستند، هیچ ملاقاتی به آنان داده نمی شود، هر نوع امکانات حراست از سرما را از آنان دریغ می کنند، هیچ لباس و غذا و وسائلی را از خانواده های آنان تحویل نمی گیرند و به آنان نمی رسانند. تراکم زندانیان در بندها بیش از حد تصور است. فشار این تراکم در حدی است که هر نوع آرامشی در حداقل ساعات شبانه روز هم از آنان به طور کامل سلب شده است. زنان و همه زندانیان برای انجام مصاحبه های اجباری تلویزیونی زیر فشار ضرب و شتم و شکنجه و تهدید و ارباب قرار دارند. برای شکستن مقاومت آنان از هیچ جنایتی دریغ نمی شود. آنچه در اوین و سایر زندان های جمهوری اسلامی جریان دارد از مصادیق بارز جنایت سرمایه علیه بشریت است. ما از همه جهانیان به ویژه از طبقه کارگر بین المللی می خواهیم که در هر کجا هستند به این جنایت اعتراض کنند.

منبع: فعالین حقوق بشر و دموکراسی

۱۸ دی ۸۸

## به یاری کارگران ترکیه بشتابیم !



بیش از ۱۰ هزار کارگر ترکیه به دلیل تعطیل یکی از کارخانه های مهم دخانیات این کشور در معرض بیکاری هستند. با بیکاری این کارگران چند ده هزار افراد خانواده های آنان در خطر پرتاب به جهنم فقر و گرسنگی و آوارگی قرار می گیرند. این کارگران در اعتراض به این جنایت دست به مبارزه زده اند و صفوف متحد پیکار آنان با تهاجم وحشیانه نیروی پلیس و قوای سرکوب سرمایه مواجه شده است. ۱۰ هزار کارگر اخراجی به مقاومت خود ادامه می دهند. آنان از همه همزنجیران خویش در سراسر جهان استمداد کرده اند. انتظار کارگران این است که همزنجیران آن ها در همه جای دنیا فریاد اعتراض خود را علیه این جنایت بلند کنند، به همه اعتراضات ممکن علیه دولت ترکیه دست بزنند، از همه راه های مقتور به سرمایه داران ترکیه و دولت آن ها فشار آورند تا ادامه اشتغال کارگران را تضمین کند. ما همصدا با کارگران ترکیه این جنایت دولت سرمایه داری را محکوم می کنیم و همزمان از کارگران در همه نقاط دنیا می خواهیم که به یاری همزنجیران خود در ترکیه بشتابند.

ژانویه ۲۰۱۰

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزه خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که: - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود. - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید: - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند. - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود. - ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد. - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود. - با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**  
**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری**

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

**WWW.HAMAAHANGI.COM**

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

**khbitkzs@gmail.com**

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.